

مقاله پژوهشی

بافت تاریخی به مثابه موزه هنرهای بصری جهت گردشگری تاریخی با تأکید بر نمونه شیراز

مریم اسماعیل دخت*

دکتری معماری منظر، گروه معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۰۳ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱

چکیده | بافت تاریخی به مثابه مکانی با کالبدی تاریخی و محوطه میراثی در شهرها شناخته می‌شود و سالانه گردشگران زیادی به بافت‌های تاریخی شهرها سفر می‌کنند و در کشورهای در حال توسعه مثل ایران مکان‌های مهمی جهت جذب گردشگر محسوب می‌شوند. عنوان بافت قدیم شیراز از زمان رضاشاه در اسناد مربوط به توسعه شهر و تخریب بافت قدیم با نوسازی‌های دوران پهلوی اول باب شد که هم‌اکنون با عنوان محدوده تاریخی شناخته می‌شود. تغییرات بنیادین در ساختار شهرهای سنتی منجر به فرسودگی این بافت‌ها شده و جمعیت ساکن در بافت قدیم شیراز به عنوان نمونه در این تحقیق، به بافت اطراف مهاجرت کردند. از طرفی طبق تعاریف سازمان جهانی یونسکو، گردشگر فرهنگی با هدف آشنایی با فرهنگ جامعه میزبان عازم مقصد می‌شود. با مهاجرت پذیری بافت تاریخی شهرها و تغییر اساسی در ساختار جمعیتی، آیا میراث فرهنگی ناملموس بافت، که به عنوان مثال در بافت تاریخی شهر شیراز حدود هزارسال هویت فرهنگی آن را شکل داده است، به حیات خود ادامه می‌دهد؟ نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن است که از دوره پهلوی اول تا کنون اقدامات صورت گرفته در بافت تاریخی شیراز در قالب حفاظت و توسعه منجر به تحول در ساختار جمعیتی بافت تاریخی و در نتیجه تغییر اساسی در «میراث فرهنگی ناملموس» بافت شده است و هم‌اکنون بافت تاریخی شیراز به استثنای بازار، علی‌رغم برخورداری از پتانسیل برای توسعه گردشگری فرهنگی، مکان بازمانی هویت فرهنگی شهر شیراز نیست و به مثابه موزه هنرهای بصری است که گردشگران از بخشی از «میراث ملموس» به جای مانده از گذشته بازدید می‌کنند.

واژگان کلیدی | گردشگری فرهنگی، میراث، فرهنگ، بافت تاریخی، شیراز.

شهر به معنای امروزی - شکل گرفت و دو اقدام حفاظت‌محور و توسعه‌محور به‌ویژه با اهمیت یافتن بُعد میراث فرهنگی و گردشگری بافت‌های تاریخی، تحت عنوان نوسازی، بازسازی، احیا، بازآفرینی، بهسازی و ... در بافت تاریخی صورت گرفته است. در دوران پهلوی اول بیشتر بر توسعه جدید و تخریب بافت تاریخی تمرکز شد. در دوران پهلوی دوم با تأسیس سازمان ملی حفاظت تأکید بیشتر بر حفاظت از تک بناها و نوسازی و توسعه شتابزده شبکه‌های جدید شهری بدون توجه به بافت تاریخی صورت گرفت و اقدامات صورت گرفته تحت عنوان سندی نظیر طرح جامع با تأکید بیشتر بر دسترسی گذرهای سواره به عنوان اصلی‌ترین رکن در بهبود زیرساخت‌های بافت تاریخی مورد توجه قرار گرفت. در دوره انقلاب اسلامی با تشکیل سازمان میراث فرهنگی به عنوان سازمانی وابسته به

بیان مسئله | بافت تاریخی در مقابل پهنه تاریخی «یعنی موجودیتی در هم تنیده که از تاروپود بافته شده، حائز کیفیتی از زندگی و دلالت‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی است که عملاً در حیات شهرها و روستاها تنیده شده و آشکارا قابل مشاهده و مطالعه است [...] بنابراین بافت تاریخی دیگر یک پهنه از پهنه‌های شهر نبوده و به صفتی مهم ممتاز است» (بهشتی شیرازی، ۱۳۹۴، ۱۹). بافت تاریخی شهر شیراز به عنوان نمونه مورد مطالعه در این بحث، از دوره پهلوی اول پیرو تحولات بنیادین در حوزه نوسازی شهرها - در اسناد تحت عنوان بافت قدیم و حومه آن تحت عنوان بافت جدید

فرهنگی مختلف «به مکان‌های اختصاصی صورت‌های فرهنگی مختلف سفر می‌کند و با تجربه فضا و رویداد آن‌ها، از چرایی پدیدآمدن صورت‌ها و عناصر گوناگون فرهنگی پرسش می‌کند. رویکرد گردشگر فرهنگ کشف روند پیدایش صورت‌های فرهنگی و مظاهر تمدن در سرزمین‌های مختلف است و شناخت چگونگی اختلافات فرهنگی ملل پرسش اصلی او نیست. چنانچه بررسی و تحلیل آثار هنری، به‌مثابه عنصر فرهنگی یک ملت یا مکان‌ها، رویدادها و سایر محصولات فرهنگی آن‌ها همچون غذا؛ شهرها، روستاها را نیز مورد توجه قرار دهد، هدف او آن است که بتواند به‌عنوان نمونه و مظهري از «فرهنگ» نقبی به هزارتوی فرهنگ سرزمین هدف بگشاید» (منصوری، ۱۳۹۹، ۷). در مباحث حوزه گردشگری در بافت تاریخی بیشتر از عنوان گردشگری میراثی یا گردشگری فرهنگی استفاده می‌شود. گردشگری فرهنگی نوعی فعالیت گردشگری است که در آن انگیزه اساسی بازدیدکننده یادگیری، کشف، تجربه و مصرف جاذبه‌های فرهنگی ملموس و ناملموس در یک مقصد گردشگری است. سازمان جهانی گردشگری در آخرین تعریف خود در سال ۲۰۱۸، گردشگری فرهنگی را یکی از انواع گردشگری می‌داند که در آن «بازدیدکننده انگیزه زیادی برای یادگیری، کشف، تجربه و به‌کارگیری و مصرف جاذبه‌ها/ محصولات فرهنگی ملموس و غیرملموس در مقصد گردشگری دارد. این جاذبه‌ها/ محصولات از مجموعه مشخص و محدودی از عوامل تشکیل می‌شوند که شامل مواد اولیه، هوش و ذکاوت، عوامل احساسی و معنوی یک جامعه با تأکید بر هنر و معماری، میراث فرهنگی و تاریخی، میراث ساختنی، ادبیات، موسیقی، صنایع خالق، و فرهنگ زندگی دربرگیرنده سبک زندگی، سیستم‌های ارزشی، باورها و سنت‌ها هستند» (UNWTO, 2018). به‌طور کلی عبارت «گردشگر فرهنگی به گردشگرانی اشاره دارد که علی‌رغم وجود تضادها و تفاوت‌های فرهنگی، به شهر یا کشور دیگری سفر می‌کنند تا از فرهنگ و آداب و رسوم آن‌ها بازدید کنند؛ از این رو جاذبه‌های فرهنگی محور گردشگری فرهنگی محسوب می‌شود» (Petroman et al., 2013). «امروزه گردشگری فرهنگی برای گردشگران به‌سمت تجربه زندگی روزمره ساکنین محلی جهت گرفته و گردشگر ترجیح می‌دهد مانند افراد محلی زندگی کند» (Richards & Russo, 2016). تمایل به تجربه زندگی افراد محلی مستلزم تجربه زندگی اجتماعی-فرهنگی و شناخت هویت فرهنگی آنان در بستری مشخص است که در مقوله گردشگری فرهنگی در بافت تاریخی شهرها الزام به شناخت توأمان تجربه زیسته ساکنین در طول زمان در محدوده بافت تاریخی را دارد.

• میراث شهری

«میراث شهری برای بشریت یک دارایی اجتماعی، فرهنگی و

وزارت علوم، به جای تأکید بر تک بناها، تأکید بر محوطه‌های تاریخی در حوزه اقدامات حفاظتی از بافت تاریخی قرار گرفت و با تأسیس واحدی تحت عنوان «بافت» در معاونت حفظ و احیای سازمان میراث فرهنگی، سیاست‌هایی نظیر «تجمیع در بافت مسئله‌دار شهری» در دستور کار سازمان میراث فرهنگی قرار گرفت. در سال ۱۳۸۲ سازمان میراث فرهنگی با سازمان ایرانگردی و جهانگردی ادغام شد و از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منفک شده و زیر نظر ریاست جمهوری قرار گرفت. ادغام این دو سازمان، فعالیت‌های میراث فرهنگی را به سمت گردشگری و بُعد اقتصادی آن سوق داد. از جمله اهداف سازمان پس از ادغام، افزایش میزان توجه به حوزه برنامه‌ریزی و گردشگری، بالاخص گردشگری فرهنگی، عنوان شده است. مسئله حال حاضر بافت تاریخی شیراز، مسئله توسعه و احیای پهنه‌های گردشگری نیست. در طول ۵۰ سال اخیر اقدامات زیادی به‌منظور بهبود بافت تاریخی شیراز صورت گرفته است؛ اما کماکان بافت تاریخی شهر بافتی فرسوده است که به‌جز قلمروی اقتصادی آن یعنی بازار نیاز به حل ریشه‌ای معضل فرسودگی دارد.

سؤال اصلی

بافت تاریخی شهر شیراز که هم‌اکنون بقایای کالبدی میراث گذشتگان را تا حدی با خود دارد، کماکان حامل هویت فرهنگی و میراث فرهنگی ناملموس است؟ و اقدامات صورت گرفته اعم از حفاظت و توسعه، بافت قدیم شیراز را به سمت بافتی جهت گردشگری فرهنگی سوق داده یا صرفاً گردشگری کالبدی-تاریخی؟

فرضیه

بافت تاریخی شهر شیراز عاری از تجربه زیسته ساکنین سابق آن است و فهم کلیتی از زندگی اجتماعی ساکنین در کالبد موجود، مستلزم بازگرداندن هویت فرهنگی بافت جهت ارتقای صنعت توریسم و تبدیل این بافت به گردشگری فرهنگی است و محصول فرهنگی بافت تاریخی تنها در کالبد آن نهفته نیست که با بازآفرینی، نوسازی و احیای آن بتوان آن را تبدیل به مکانی جهت گردشگری فرهنگی نمود. گام اول در تبدیل بافت تاریخی شیراز به بافت تاریخی-فرهنگی و تبدیل آن به مکانی جهت گردشگری فرهنگی، بازگرداندن حیات اجتماعی-فرهنگی آن با سابقه هزارساله است.

مبانی نظری

در حال حاضر بافت تاریخی هر شهر به‌مثابه یکی از اصلی‌ترین مکان‌های جغرافیایی با هدف گردشگری فرهنگی است. کاوشگر فرهنگی با هدف گردشگری فرهنگ، به‌صورت‌های

۲۰۰۳ تأکید بر حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس در دستور کار کنوانسیون قرار گرفت. طبق مفاد بند دوم کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو، میراث فرهنگی ناملموس چنین تعریف شده است: «عرف، نمادها، دانش‌ها، مهارت‌ها، ابزارها، اشیاء، آثار هنری و مکان‌های مرتبط با آن‌ها، که جوامع و افراد، آن‌ها را بخشی از میراث ناملموس خود می‌شناسند و همواره از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و پیوسته به وسیله انسان‌ها، جوامع و گروه‌ها در پاسخ به محیط اطرافشان و در تقابل با طبیعت و تاریخشان خلق می‌شود و سازگار با مفاد حقوق بشر بین‌المللی و شرایط احترام متقابل میان جوامع، گروه‌ها و اشخاص شامل: سنت‌ها و ابزارهای شفاهی شامل زبان، هنرهای نمایشی، اقدامات اجتماعی، آیین‌ها و جشنواره‌ها، دانش و اقدامات مربوط به طبیعت و کیهان، مهارت در هنرهای دستی سنتی است» (UNESCO, 2003).

• هویت فرهنگی

هویت، تلقیات یک جامعه از زندگی است که در جریان فرایند اجتماعی شدن شکل می‌گیرد. با این رویکرد می‌توان «هویت را حاصل دیالکتیک واقعیت ذهنی و واقعیت عینی دانست که در برابر ساختارهای اجتماعی معین واکنش نشان داده و موجب حفظ، تغییر یا شکل‌گیری مجدد ساختارهای اجتماعی می‌شود» (لوکمان و برگر، ۱۳۷۵، ۲۳۶). گیدنز هویت را «آگاهی شخص، گروه و جامعه به خود می‌داند که در کنش‌های اجتماعی به صورت تدریجی شکل می‌گیرد» (گیدنز، ۱۳۷۸، ۸۱). سخن گفتن از فرهنگ، به سبب درآمیختن دو مفهوم فرهنگ و هویت، به معنای صحبت از هویت است. از این رو، «هویت همانند فرهنگ دامنه‌ای را دربرمی‌گیرد که، نسبت به دوری و نزدیکی از سرمنشأ، از آن چه کم‌وبیش عینی است به سوی مجموعه‌ای وسیع‌تر می‌رود که ماهیت ذهنی آن بیشتر مشهود است» (نورایی، ۱۳۹۳، ۱۱۸). هویت فرهنگی جنبه نوعی ابزار ذهنی پیدا می‌کند که فرد با دراختیارداشتن آن به موقعیت خود، در گروهی که در آن زیست می‌کند، پی‌می‌برد و به کمک این آگاهی به تنظیم روابطش می‌پردازد. جمعی از متخصصان در یونسکو، با تعریفی جامع درباره فرهنگ، آن را «مجموعه‌ای از شناخت‌ها و نحوه‌های تفکر و کردارهایی دانسته‌اند که برای همه افراد جامعه این امکان را فراهم می‌کند تا با اتخاذ رفتاری مناسب روابطشان را با دیگران و با طبیعت تنظیم کنند» (UNESCO, 1972, 4). «فرهنگ، براساس تعریف ارائه‌شده، به محیطی تشبیه می‌شود که عملکرد آن تنظیم رابطه فرد با دنیای خارج از اوست، عملکردی که از طریق القای ارزش‌ها صورت می‌گیرد. این جنبه‌ای است که درعین حال به نقش فرهنگ در مقام حافظ هویت نیز اشاره دارد. درواقع، اعتقادات مشترک و مشارکت در آداب و رسوم آیینی تاروپود منسجمی پدید می‌آورند و رفتاری

اقتصادی محسوب می‌شود که به واسطه لایه‌بندی‌های تاریخی از ارزش‌ها تعریف شده است. ارزش‌هایی که توسط فرهنگ‌های متوالی و موجود، و انباشت سنت‌ها و تجارب تولید شده‌اند و تنوعشان به رسمیت شناخته شده است. درک و شناخت ارزش‌ها مسیری را ایجاد می‌کند که طی آن اهمیت معنایی میراث تعریف می‌شود» (UNESCO, 2011). «ساختارها، محوطه‌ها و مناطق میراثی در مقیاس‌های معنایی و گوناگون، از تک‌بنا تا مناظر شهری و مناظر طبیعی، اهمیت معنایی و ویژگی متمایز خود را از ارزش‌های شناخت‌شده اجتماعی و معنوی، تاریخی، هنری، زیبایی‌شناختی، طبیعی، علمی یا دیگر ارزش‌های فرهنگی خود کسب می‌کند. مناطق تاریخی اهمیت و مشخصه خود را از روابط پرمعنا با زمینه و بستر فرهنگی، کالبدی، بصری و معنوی خود می‌گیرند» (ICOMOS, 2005). پس روابط اجتماعی و کنش‌هایی که در بستر تاریخی شکل می‌گرفتند، گویای ارتباط ساکنین با طبیعت و محیط خود بوده است و ارزش‌های یک مکان تاریخی مثل بافت قدیم در ارزش‌های فرهنگی ملموس و ناملموس آن نهفته است. «بافت قدیم شهر یک خلق انسانی است و به همین لحاظ هویت آن بیشتر هویت فرهنگی است. اصالت هویت فرهنگی در بافت‌های قدیم شهر در نگاه محیط‌مدار، فنی و پروژه‌مدار جایگاهی ندارد. بنابراین برنامه‌های موفق بافت، برنامه‌هایی هستند که از راه ارزش‌ها، آرمان‌ها و هنجارهای موجود در بافت طراحی، تدوین و اجرا شوند» (ایمان، ۱۳۹۰، ۶۱).

• میراث فرهنگی

هر فرهنگی دارای دو عنصر مادی (ملموس) و معنوی (ناملموس) است؛ عناصر مادی فرهنگ، به آن دسته از عناصر فرهنگی اطلاق می‌شود که محسوس و ملموس و قابل اندازه‌گیری با موازین علمی و کمی هستند، مانند ابزار کار، وسایل صنعتی، ابداعات، ساختمان‌ها، بناها، جاده‌ها. عناصر معنوی یا ناملموس فرهنگ، آن دسته از عناصر فرهنگی هستند که جنبه شیئی ندارند و غیرقابل اندازه‌گیری و مقایسه با محک علمی و کمی بوده و از طریق خط و زبان انتقال می‌پذیرند؛ مانند اعتقادات، آداب و رسوم، سنت‌ها و قوانین و مقررات، ارزش‌ها و هنجارها و فلسفه و اخلاق که درواقع هویت فرهنگی و سرمایه معنوی یک جامعه را تشکیل می‌دهند. کشورهای جهان سوم از جمله ایران با فرهنگ جهانی عجین شده‌اند و سیاست‌های سرمایه‌داری و استعمار فرهنگی، جهان را به سوی تک‌فرهنگی (Monocultural) شدن سوق داده و منجر به فراموشی سپردن بخش اعظمی از میراث فرهنگی ناملموس شهرها و کشورها شده است و اصالت موجود در بافت کالبدی و اجتماعی شهرهای سنتی مورد هجوم قرار گرفته است. از همین رو کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی در سال ۱۹۷۲ با تأکید بر حفاظت از میراث فرهنگی شکل گرفت و در سال

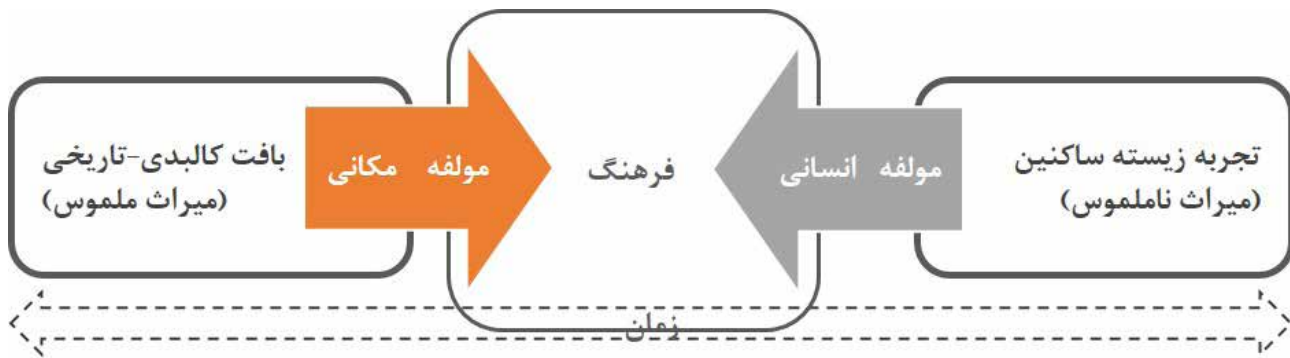
مشخص به واسطه کنش‌های انسانی به صورت فردی و جمعی در بستری اجتماعی، فرهنگ در حال شکل‌گیری و تکامل است و فرهنگ غالب یک منطقه بدین صورت تداوم یافته و علی‌رغم تغییرات، محتواهای فرهنگی را بازتولید می‌کند. پس در درجه اول انتقال فرهنگ وابسته به ساکنینی است که در طول زمان، مکان را بازتولید کرده‌اند و میراث ملموس و ناملموس را از خود به جای می‌گذارند. بافت تاریخی شهر به عنوان یک واقعیت اجتماعی، می‌تواند نقش یک پدیدار اجتماعی به خود بگیرد. این پدیدار اجتماعی با برخورداری از یک هویت انسانی دارای تجربه زیسته است که هرگونه برنامه‌ریزی بدون در نظرگیری این تجربه زیسته نمی‌تواند از اعتبار لازم برخوردار شود. «بافت تاریخی دقیقاً یک تجربه زیسته است با ابعاد زمانی، مکانی، کالبدی و روابط انسانی که شناخت از آن جز از طریق زمینه‌ای از روابط با اشیا، مردم، وقایع و موقعیت‌ها امکان‌پذیر نیست» (ایمان، ۱۳۹۰، ۶۶). انقطاع و یا انتقال اساسی هریک از این مؤلفه‌ها میراث فرهنگی را خدشه دار کرده و هویت فرهنگی بستر مشخص را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ به‌عنوان مثال تغییر در بافتار جمعیتی یک منطقه مؤلفه انسانی، تغییر در کالبد و رویدادها مؤلفه مکانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با نگاهی پدیدارشناسانه به گردشگری فرهنگی، مردم به عنوان بدن زیسته و رابطه انسانی زیسته، جدای از بافت قدیم نیستند و اگر تجربه زیسته از بافت تاریخی دچار تحول شود در واقع به نظر می‌رسد فرهنگ بافت تاریخی متحول شده است (تصویر ۱).

بافت تاریخی شیراز

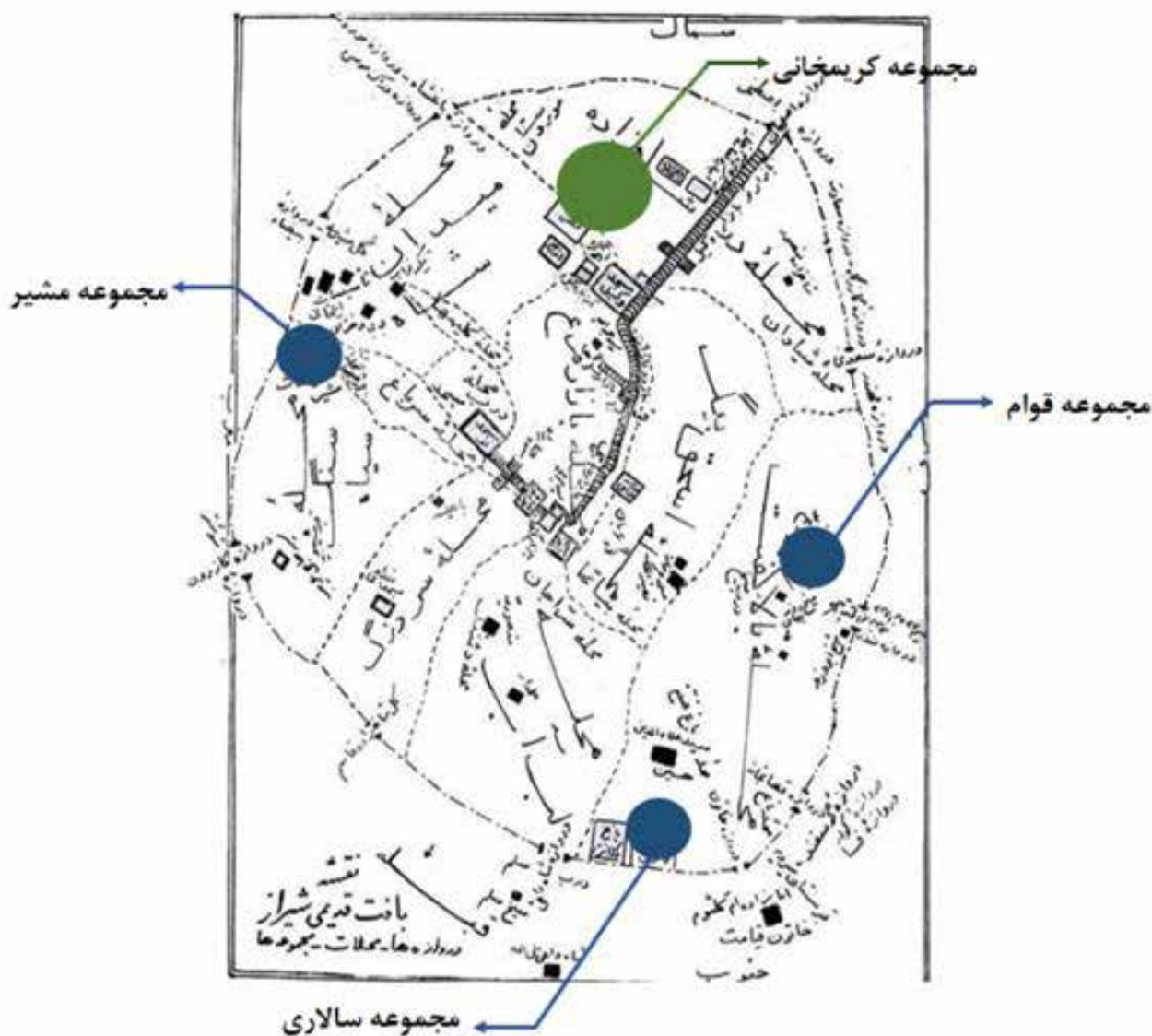
تا اواخر دوران قاجار بافت قدیم شیراز با حفظ حصارهای خود، بخش اصلی شهر جهت سکونت ساکنین محسوب می‌شد و اقدامات صورت گرفته در این بافت رویکردی توسعه‌محور با اقداماتی خرد به‌منظور زیست ساکنین شهر را در برمی‌گرفت؛ از قبیل مجموعه مشیر در محله سنگ سیاه (تصویر ۲). از دوره پهلوی اول به‌منظور نوسازی بافت قدیم و توسعه بافت جدید شهری، با کشیدن خیابان‌های عمود بر هم از میان قلمروهای اجتماعی محلات، مناسبات اجتماعی محله تحت تأثیر قرار گرفت و کمبود زیرساخت‌های شهری در بافت تاریخی، اعیان و ساکنین قدیمی را به حاشیه شهر (شهر جدید) راند (تصویر ۳). رفته‌رفته با اقدامات بعدی در دوره‌های پهلوی دوم و انقلاب اسلامی با رویکرد کالبدگرایانه مبتنی بر نوسازی و بازسازی بافت قدیم حالت جاری زندگی در بافت متحول شد و زمینه‌های فرهنگی آن به جای پیوستگی و استمرار در عین نوشتن، متوجه گسست فرهنگی شد. با اهمیت یافتن بافت قدیم به‌عنوان میراث فرهنگی، در سال ۱۳۶۹ شهر شیراز به‌عنوان یکی از شهرهای اصلی فرهنگی-تاریخی معرفی شد.

که بر محور این آداب نمود می‌یابد، ضمن تأثیر بر حالات و حرکات افراد، به‌واسطه مشارکت همگانی، شکل‌دهنده زندگی روزمره جمعی می‌شود. بدین معنی که تمامی حرکات و اعمال منطبق بر این آداب، هم‌چنین ظاهری که افراد با آن نمایان می‌شوند، همه‌وهمه در ساخت زندگی روزمره نقشی مؤثر دارند. جنبه تکراری رفتار در زندگی روزمره، به‌نوعی، نفی گذشت زمان را معنی می‌دهد و از این‌رو با خواست استمرار وضع موجود صورت می‌گیرد. درواقع، همین تکرار است که متضمن تداوم فرهنگ و هویت اجتماعی است» (نورایی، ۱۳۹۳، ۱۱۴-۱۱۶). جنبه رفتاری فرهنگ در بستر و کالبد مشخصی در جریان است و به طور مستمر کنش‌های اجتماعی در مکان جغرافیای مشخصی جریان می‌یابد. از آنجاکه فرهنگ در بستری اجتماعی ساخته می‌شود، در متن یک جامعه بازتولید و وابسته به گروه‌های اجتماعی است، پس با جامعه‌ای که آن فرهنگ را برساخت کرده در ارتباط است و در گام اول جامعه شکل‌دهنده آن فرهنگ خاص، میراث آن را اعم از ملموس یا ناملموس با خود به همراه دارد و بستر یا بافت موقعیتی مکانی است که توسط گروه فرهنگی خاص به مرور زمان در ارتباط با هویت فرهنگی آن گروه خاص بازتولید شده و میراث فرهنگی را سینه به سینه و نسل به نسل در کنار عناصر کالبدی بستر انتقال داده‌است.

«از طرفی فرهنگ بی‌وقفه از گذشته به‌سوی آینده جریان دارد. از این‌رو، با گذشت زمان به غنای آن افزوده می‌شود و ریشه سرزمین عمیق‌تری می‌یابد. هرچند ارتباط داشتن خطوط اصلی هر فرهنگ با دوره‌های پیشین، و وجود و حضور اعتقادات و شیوه‌های عملکردی در بطن آن، آن را به میراثی از گذشته بدل می‌کند اما، به سبب آن‌چه در طول زمان بر جامعه حادث می‌شود، تداوم اعتقادات و جنبه‌های رفتاری همواره با برخی تغییرات محتوایی روبه‌رو است. به‌این معنی که در هر مرحله بازسازی خلاقیتی پدید می‌آید که وسیله تطبیق با شرایط محیطی و احتیاجات نوظهور می‌شود؛ در قبال تغییرات اجتماعی، به‌ضرورت، بخشی از خصوصیات فرهنگی مرتبط با ساختار اجتماعی تغییر می‌یابد و هرگاه موضوع وارد شدن ارزش‌های فرهنگی بیگانه مطرح باشد، چنانچه تغییر حاصل از آن با نیازهای اقشار مختلف جامعه هماهنگی نداشته باشد، میان ویژگی‌های قدیم و جدید برخورد پدید می‌آید. براین‌اساس، می‌توان نتیجه گرفت که وارد شدن ارزش جدید فقط در صورتی تغییر رفتاری پدید می‌آورد که تأثیر آن بر نظام ارزش‌ها مشهود باشد و امر فرهنگی جدید فقط به شرط رسوخ در روابط اجتماعی می‌تواند صورت‌هنجاری پیدا کند» (همان، ۱۲۰). در نتیجه به نظر می‌رسد مؤلفه‌های فرهنگ در تعامل با دو جنبه اصلی انسانی، مکانی و زمانی به صورت پویا و به‌هم‌پیوسته در حال شکل‌گیری است. درواقع در مکانی



تصویر ۱. فرهنگ از مناسبات اجتماعی در مکانی مشخص بازتولید می‌شود که مکان به مثابه میراث فرهنگی ملموس و تجارب زیسته به مثابه میراث فرهنگی ناملموس در رابطه‌ای تعاملی در طول زمان، فرهنگ را بازتولید می‌کنند. مأخذ: نگارنده.



تصویر ۲. بافت تاریخی شیراز در زمان قاجار. ترسیم: نگارنده بر نقشه شیراز در زمان قاجار از حسینی فسایی.

بر این اساس طرح‌هایی تحت عنوان محورهای فرهنگی - محور تاریخی-فرهنگی شیراز در سال ۱۳۷۱ توسط مهندسیین مشاور نقش جهان- پارس، پیرو اهمیت یافتن بافت‌های تاریخی برای شهر شیراز تهیه شد (جدول ۱). طرح احیای

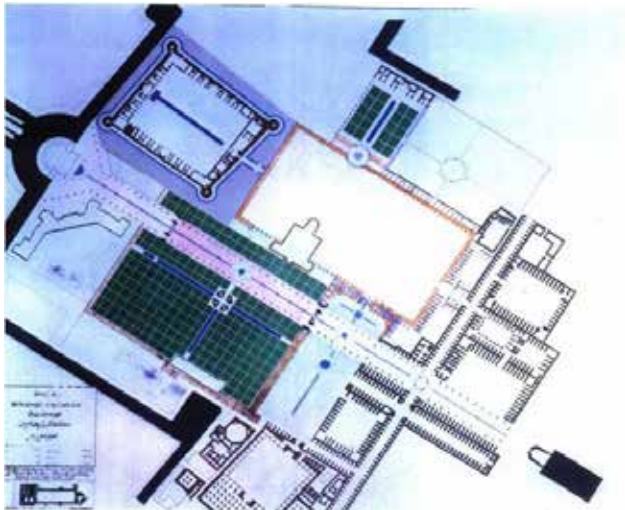
جدول ۱. اقدامات حفاظت محور و توسعه محور در بافت تاریخی شیراز، از دوره قاجار تا کنون. مأخذ: نگارنده.

دوره	رویدادهای مؤثر	اقدامات حفاظت محور و توسعه محور	توضیحات
قاجار	<ul style="list-style-type: none"> تأسیس بلديه در اقدامات در بافت توجه به محوطه‌های باستانی 	آشنایی با باستان‌شناسی و حفظ آثار ملی و عتیقات زندگی در بافت قدیم و توسعه محدود در خارج از محدوده دیوار حفاظتی شهر	بافت قدیم و جدید در این دوره معنایی ندارد، تمام بافت شهر در محدوده‌ای محصور است و اقدامات به صورت خرد جهت نوسازی صورت می‌گیرد.
پهلوی اول	تأسیس انجمن آثار ملی	<ul style="list-style-type: none"> ثبت تک بناهای بارزش تاریخی عدم توجه به بافت تاریخی شهر و توسعه معابر در بافت قدیم شهرها و شکل‌گیری شهرهای جدید با امکانات بهتر اطراف شهر قدیم 	احداث دو خیابان اصلی عمود برهم با نام خیابان کریم‌خان زند و لطفعلی‌خان زند در جهت شرق-غربی و عبور از بافت محلات و تخریب انسجام محلات و عدم توجه به بناهای فاخر قاجاری.
پهلوی دوم	تأسیس سازمان ملی حفاظت	<ul style="list-style-type: none"> حفاظت از برخی تک بناها و تأکید بر نوسازی ادامه تخریب بافت قدیم به دنبال توسعه شتابزده شبکه‌های اتومبیل روی شهری 	طرح جامع ۱۳۵۱ و نفوذ در بافت قدیم به‌منظور تردد خودرو، میراث در این دوره بدون توجه به بافت و فقط به‌صورت اسمی مورد توجه بود مانند جشن‌های ۲۵۰۰ ساله نوروز.
انقلاب اسلامی	<ul style="list-style-type: none"> سازمان میراث فرهنگی تأسیس واحد "بافت" در معاونت حفظ و احیای سازمان میراث فرهنگی و تأکید بر اقدامات فرهنگی در کنار اقدامات فیزیکی در حوزه حفاظت 	<ul style="list-style-type: none"> مرمت ابنیه و تک بناها و البته تأکید بر مرمت مجموعه‌های تاریخی به‌جای توجه صرف به تک بنا توجه به بافت تاریخی بهبودی محلات تاریخی پروژه‌های جدید در محوطه‌های تاریخی بهبودی، نوسازی و بازسازی بافت‌های مسئله‌دار شهری با حفظ هویت نواحی بارزش در شهرها توجه به بافت‌های تاریخی شهرها به‌عنوان بخشی مهم از سیاست‌های توسعه شهری 	<ul style="list-style-type: none"> سمینار تداوم حیات در بافت قدیم شهرهای ایران (۱۳۶۷) طرح احیای محدوده تاریخی- فرهنگی شیراز طرح پردیسان نظیر خانه شاپوری در شیراز پروژه محله آستانه شیراز نوسازی و بازسازی محله موردستان پروژه بین‌الحرمین شیراز ...

تاریخی در جهان و ایران در همین دوره، مطالعه و طراحی شد. از جمله تهدیدهایی که در این طرح برای بافت قدیم شیراز برشمرده می‌شود؛ درونگرایی بافت و منزوی بودن آن و اهتمام به اتصال هر چه بیشتر آن به بافت جدید شهر به ویژه با تأکید بر جنبه‌های اقتصادی است. برخلاف مطالعات صورت گرفته در این طرح، به نظر می‌رسد بیشترین بخش بافت که حیات حداقل دوپست ساله خود را حفظ کرده بود، قلمروی سیاسی- فرهنگی (پهنه میدان توپخانه) و اقتصادی (پهنه بازار) بافت بود که به مثابه مرکز شهر، برای ساکنین شناخته می‌شد و قلمروهای اجتماعی از جمله محلات سابق به دلیل مهاجرت ساکنین قدیمی بیش از پیش نیاز به احیا و یا نوسازی داشتند (تصویر ۴). پیرو اقدامات صورت گرفته در دوره‌های مختلف با اهمیت یافتن آثار ملی از دوره قاجار در زمینه میراث فرهنگی ملموس به عنوان مؤلفه مکانی گردشگری فرهنگ، بخش اعظمی از میراث ملموس که در گذر زمان شکل گرفته بود از بین رفت. از جمله بخش اعظمی از میراث ملموس در قالب آثار، بناها و محوطه‌ها با اقدامات توسعه‌ای دوره پهلوی اول و دوم نظیر خیابان‌های عمود برهم، پروژه حرم تا حرم و تخریب بخش عظیمی از بافت قدیم شیراز و ... تخریب شد.



تصویر ۳. اقدامات صورت گرفته در دوره پهلوی اول در بافت تاریخی و محدوده آن، و اولین دور مهاجرت‌های ساکنین شیرازی از بافت تاریخی شهر. مأخذ: نگارنده.



تصویر ۴. طرح نهایی پیشنهادی اطراف ارگ کریمخان در طرح احیاء محور تاریخی-فرهنگی شیراز که توسط مهندسين مشاور نقش جهان پارس تهیه شد. مأخذ: آرشیو شهرداری شیراز، ۱۳۷۱.



تصویر ۵. قنات سادی شیراز در گذشته. مأخذ: صانع، ۱۳۸۰.



تصویر ۶. محدوده قنات سادی شیراز پس از بازسازی ۱۳۳۱. مأخذ: شهرداری منطقه ۳ شیراز.

میراث فرهنگی ناملموس شیراز

طبق اسناد و متون باقیمانده از آداب و رسوم و میراث فرهنگی ناملموس شهر شیراز که اغلب سینه به سینه نقل می‌شده، می‌توان دریافت که علی‌رغم سعی در حفاظت از باقیمانده میراث مادی بافت تاریخی، متأسفانه میراث معنوی تا حدودی از بین رفته است. به‌عنوان مثال در بخش هنرهای نمایشی و فعالیت‌های جمعی، آیین‌ها و جشن‌ها، مراسم تعزیه شیراز در آثار فرهنگی ناملموس ثبت شده است، اما مانند گذشته در بافت قدیم نمی‌توان این مراسم را مشاهده کرد. اگرچه مراسم ماه محرم در بافت قدیم اجرا می‌شود، ولی مراسم تعزیه به دلیل تغییر در ساختار جمعیتی بافت و گسست در فرهنگ و میراث معنوی گذشته، متحول شده است.

محلۀ سادی به‌عنوان یک محلۀ خودگردان و همجوار با بافت قدیم شیراز از گذشته تاکنون به دلیل قرارگیری آرامگاه سادی در این محلۀ و همجواری با باغ دلگشا، بخشی مهم از بافت قدیم شیراز محسوب می‌شود و قرارگیری چشمۀ قنات سادی (قنات پهن‌دژ) به اهمیت این منطقه افزوده است. از گذشته آب جاری قنات مقدس بوده و مردم شیراز علاوه بر استفاده روزمره برای شست و شو، از این آب برای بخت‌گشایی جوانان به‌ویژه شب چهارشنبه‌سوری، افزایش محصول کشاورزی، باطل کردن سحر و جادو، استفاده آیینی می‌کردند (تصویر ۵). با ساخت آرامگاه فعلی سادی در سال ۱۳۳۱ ه.ش، استفاده آیینی از آب قنات ممنوع شد (تصویر ۶). در طرح مجموعه‌های فرهنگی شیراز (۱۳۷۵)، در بخش توسعه فرهنگی-توریستی آرامگاه سادی حدود ۲۰٪ از طرح جهت حذف بافت مسکونی محلۀ سادی و ایجاد مجتمع اقامتی-تفریحی پیشنهاد شد. توجه صرفاً کالبدمحور به آرامگاه سادی و باغ دلگشا بدون توجه به تجارب زیسته ساکنین در طول تاریخ، موجب شد که در هر مرحله از حفاظت و توسعه در بافت مجاور آرامگاه سادی، توسعه کالبدمحور صورت بگیرد. در حال حاضر از مراسم آیینی حمام سادی اثر اندکی است که معدود افرادی کماکان به این سنت پایبند هستند و تنها یک حمام عمومی رو به تخریب در پس کوچه‌های فعلی وجود دارد (تصویر ۷). در واقع ساخت و سازهای اطراف آرامگاه سادی منجر به از بین رفتن فعالیت‌های فرهنگی در بستر مجموعه سادی شده که پاسخگوی کالبدی به صنعت توریسم است اما پاسخگو به گردشگری فرهنگی آنچنان که ذکر شد، نیست و با اقدامات کالبدمحور در این بافت، زندگی اجتماعی مردم و آیین‌های ویژه نظیر حمام چهارشنبه‌سوری و مراسم عروسی (تصویر ۸) کمرنگ شد. مبتنی بر داستان‌های معاصر نظیر سووشون، سنگ صبور گردشگری و تفرج در جوار رودخانه خشک، جزیی از فرهنگ و تجارب مردم شیراز بوده است و ساکنین در ایام تعطیل در جوار رودخانه، آسیاب سه تایی، باغ تخت و... تفرج می‌کردند، اما با تبدیل باغ تخت به پادگان (پهلوی اول)،



تصویر ۷. محدوده آرامگاه سعدی شیراز، ۱۳۹۷. مأخذ: شهرداری منطقه ۳ شیراز.



تصویر ۸. عکس قدیمی از کاروان عروسی در خیابانهای شیراز. مأخذ: <https://www.fardanews.com/fa/news>

است. در نتیجه به نظر می‌رسد تجارب زیسته ساکنین فعلی به عنوان مؤلفه انسانی گردشگری فرهنگی با تجارب زیسته ساکنین قبلی که بسترساز تاریخ هزارساله این بافت بوده‌اند به دلیل تغییر اساسی در ساختار جمعیتی بافت متحول شده است به گونه‌ای که میراث ناملموس بافت تاریخی شیراز تا حدود زیادی طبق مصادیق عنوان شده از میان رفته است. در نتیجه کالبد تاریخی و حیات اجتماعی به دلیل تغییر در ساختار جمعیتی دچار تحول شده و با توجه به تعاریف گردشگری فرهنگی و میراث فرهنگی نمی‌توان بافت تاریخی شیراز را محدوده‌ای جهت گردشگری فرهنگی عنوان کرد و با توجه به اقدامات صورت گرفته چه پیش از شکل‌گیری عنوان بافت قدیم و چه پس از آن، اهمیت حفاظت و توسعه پایدار در راستای حفظ ارزش‌های گذشته، با خالی شدن سکنه آن و مهاجرت ساکنین به بافت حومه، فرهنگ و میراث ناملموس در تجارب زیسته ساکنین تا حدودی متحول شده است.

نتیجه‌گیری

کاوشگر فرهنگ جهت شناخت فرهنگ و عناصر فرهنگی جامعه میزبان به مقصد سفر می‌کند. مقصد گردشگری فرهنگ، مکانی جغرافیایی، حامل تجربه زیسته ساکنین در طول تاریخ است که در حال تولید محتوای فرهنگی در یک نظام اجتماعی مشخص هستند و این نظام اجتماعی، منظر را بر ساخت و باز تولید می‌کند. منظر کلیتی سیال و پویاست که در ارتباط با جامعه در طول زمان شکل گرفته و متأثر از و مؤثر بر نحوه نگرش و تجربه زیسته و هویت فرهنگی جامعه است. هنگامی که صحبت از مکانی فرهنگی و شناخت آن مکان می‌شود، هدف شناخت منظر است. به نظر می‌رسد بافت تاریخی شیراز هم اکنون تبدیل به کالبدی زیبا و تاریخی شده است که بخش اعظمی از جاذبه فرهنگی خود را به دلیل تصمیمات صورت گرفته و توسعه شهر و مهاجرت ساکنین آن از دست داده و بازار به عنوان رکن اقتصادی بافت قدیم به صورت قبل به فعالیت خود ادامه می‌دهد و تنها بخش بافت است که

تأسیس بلوار و حذف آسیاب سه‌تایی (پهلوی دوم)، کنارگذر تندرو در جوار رودخانه خشک (انقلاب اسلامی)، و... زندگی اجتماعی مردم شیراز را که با داستان‌های عامیانه و مراسم‌های مختلف آنان عجین شده بود، از بین برد. داستان‌های پهلوانان نظیر داش‌آکل که برگرفته از زندگی اجتماعی مردم شیراز در طول تاریخ است با کم‌رنگ شدن نقش زورخانه‌ها و تخریب آنان از میان رفت (جدول ۲). اقدامات به صورت موضعی و موضوعی و یا کلان‌فارغ از اهمیت جایگاه بافت تاریخی و مقوله میراث فرهنگی در آن، رفته‌رفته بافت را فرسوده‌تر نمود؛ به گونه‌ای که هم‌اکنون به جز گذرهای نزدیک به بازار مابقی بافت فرسوده شده و عاری از تجربه زیسته ساکنین است و تبدیل به پاتوق و محل بزه شده و ساکنین فعلی بافت، اکثریت مهاجرینی هستند که به دلیل قیمت مناسب مسکن در این بافت ساکن شده‌اند. «مشخص شده است که ۳۹/۷ درصد از ساکنان، علت سکونت خود را در این بافت، مسکن ارزان، ۱/۹ درصد از ساکنان، نزدیکی به محل کار، ۳/۴ درصد از ساکنان، نزدیکی به اقوام و آشنایان، ۸/۸ درصد از ساکنان، به‌خاطر اماکن مذهبی - فرهنگی و ۱۴/۴ از ساکنان، به‌خاطر محل تولدشان انتخاب کرده‌اند» (وارثی، تقوایی و رضایی، ۱۳۹۱، ۱۵۲). ساکنان جدید با فرهنگ جدید در کالبد تاریخی، تجارب زیسته‌ای دارند که با فرهنگ و الگوی زندگی سنتی جاری در بافت قدیم شیراز متفاوت است. وارثی و همکاران (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که «عوامل متعددی از جمله توسعه فیزیکی شهر شیراز در سال‌های اخیر، کمبود امکانات و خدمات شهری و تأسیسات زیربنایی درون بافت، مهاجر فرستی بافت و جایگزین کردن افراد غیربومی به جای افراد بومی با فرهنگ‌های متفاوت و... از عوامل اصلی منفی شدن نرخ رشد جمعیت، در بافت تاریخی شیراز شده است». البته در این تحقیق عنوان شده است که ۵۷/۸ درصد از ساکنین، متولد شیراز هستند (همان) که بدون احتساب سن، ممکن است اکثریت متولدین شیراز ساکن در بافت قدیم، فرزندان مهاجران چندسال اخیر باشند که تحقیق در این زمینه مستلزم موشکافی بیشتری

جدول ۲. میراث فرهنگی ناملموس در بافت تاریخی شیراز که برخی از میان رفته است. مأخذ: نگارنده.

میراث فرهنگی ناملموس	نمونه
سنت‌ها و ابراهای شفاهی شامل زبان	مراسم مخصوص ازدواج که قدیمی‌ها به سیل ^۱ مراسم می‌رفتند و ترانه‌هایی تحت عنوان "واسونک" با مضامین فرهنگی می‌سرودند.
هنرهای نمایشی	نمایش "جی‌جی‌بی‌جی" که به‌طور دائم در مراسم‌هایی نظیر ختنه‌سوران و مراسم‌های مربوط به عروسی برگزار می‌شد، به‌تازگی تنها در چند جشنواره احیا شده است، اما در گذشته سنتی جدانشدنی از زندگی مردم شیراز بود.
اقدامات اجتماعی، آیین‌ها و جشنواره‌ها	مراسم تعزیه‌خوانی در ایام محرم که در میراث ملی ناملموس نیز ثبت شده و کمتر اثری از آن باقی‌مانده است.
دانش و اقدامات مربوط به طبیعت و کیهان	قربانی کردن شتر حنابسته و سرمه کشیده با موسیقی محلی در روز عید قربان در محلی تحت عنوان قربانگاه.
مهارت در هنرهای دستی سنتی	هنر دوات‌گری در شیراز که در فهرست آثار ناملموس ملی به ثبت رسیده است.

به صورت هم‌پیوند با گذشته جریان یابد و در حال حاضر تمامی اقدامات کلان در ارتقای صنعت گردشگری بافت قدیم منجر به تبدیل بافت به محوطه گردشگری تاریخی-کالبدی است نه گردشگری فرهنگی، چرا که در گردشگری تاریخی محصول و کالبد مورد توجه است در صورتی که در مباحث فرهنگ و فرهنگی تأکید بر فرایند تجارب زیسته است. در واقع حال حاضر بافت تاریخی شهر شیراز به مثابه موزه هنرهای بصری-تاریخی است که حیات فرهنگی آن دستخوش تحول عظیمی شده است. اگر هدف از گردشگری در بافت قدیم، گردشگری فرهنگی است؛ اولین و موثرترین گام برای نیل به این هدف، بازگرداندن حیات اجتماعی و احیا میراث فرهنگی ناملموس بافت در کنار میراث ملموس آن است.

صورت و سیرت فرهنگی خود را حفظ کرده و بیشترین مقصد با هدف گردشگری را دارد. بخش اعظم بافت تبدیل به بافت فرسوده و اسکان مهاجرین غیربومی با آداب و رسوم متفاوت شده است؛ چنانکه در آداب و رسوم حاکم در روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی بافت قدیم می‌توان شاهد همبستگی و کلیتی از تجارب زیسته ساکنین بود که در حال حاضر تنها بخشی از کالبد آن به مثابه محصول فرهنگی باقی مانده است. در صورتی که در گردشگری فرهنگی، گردشگر به دنبال شناخت فرهنگ حاکم بر ناحیه جغرافیایی است. در نتیجه به نظرمی رسد که ریشه‌های ترین اقدام جهت بازگشت هویت بافت تاریخی و تبدیل آن به مکان گردشگری فرهنگ، بازگرداندن پیوستار هویت فرهنگی ساکنین آن است که تجربه زیسته ساکنین مجدداً با شیوه نوین خود

مطرب در مراسم شادی به ویژه عروسی‌ها آورده می‌شد و عموم مردم به تماشای عروسی به‌ویژه از پشت بام منازل می‌رفتند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در گویش شیرازی به معنای تماشاکردن است که در گذشته دسته موسیقی و

فهرست منابع

- فرسوده شهری (نمونه موردی: شیراز). *مجله برنامه‌ریزی فضایی*، ۲ (۲)، ۱۲۹-۱۵۶.
- ICOMOS (2005). *Xi'an Declaration on the Conservation of the Setting of Heritage Structures, Sites and Areas*. https://www.icomos.org/en/xian2005/home_eng.htm.
- Petroman, I., Petroman, C., Marin, D., Cialoc, R., Vaduva, L. & Pandur, I. (2013). Types of Cultural Tourism. *Scientific Papers: Animal Science and Biotechnologies*, 46 (1), 385-388.
- Richards, G. & Russo, A. P. (2016). Synthesis and Conclusions: Towards a new geography of tourism?. In Russo, A.P. and Richards, G. (eds.) *Reinventing the Local in Tourism: Producing, Consuming and Negotiating Place*. Bristol: Channel View, pp. 251-266.
- UNESCO. (1972). *Convention for the Protection of the World Cultural and Natural Heritage*. Paris: UNESCO.
- UNESCO. (2003). *International Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage*. Paris: UNESCO.
- UNESCO. (2011). *Recommendation on the Historic Urban Landscape, adopted by the General Conference at its 36th session, 10 November 2011*, Paris: UNESCO World Heritage Centre.
- UNWTO. (2018). *Tourism and Culture Synergies*. Madrid, DOI: <https://doi.org/10.18111/9789284418978>.

- ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۰). نگاهی روش‌شناسانه بر تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی بافت قدیم شهری. *مجله مطالعات شهری*، ۱ (۱)، ۵۳-۷۶.
- بهشتی شیرازی، سیدمحمد. (۱۳۹۴). بافت تاریخی یا پهنه تاریخی؛ رسانه‌ها عامل فعال‌سازی سیستم عصبی بافت تاریخی. *مجله چیدمان*، ۴ (۱۰)، ۱۸-۲۳.
- حسینی‌فسایی، میرزاحسن. (۱۳۷۸). *فارسنامه‌نصری*. تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شهرداری شیراز. (۱۳۷۱). *طرح تفصیلی شهر شیراز؛ مطالعه وضعیت موجود منطقه تاریخی-فرهنگی*. شیراز: معاونت برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی.
- شهرداری شیراز. (۱۳۸۱). *طرح احیاء محور فرهنگی-تاریخی شیراز*. شیراز: معاونت برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخص (ترجمه ناصر موفقیان). تهران: نشر نی.
- لوکمان، توماس و برگرو، پیتزال. (۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت* (ترجمه فریبرز مجیدی). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۹۹). گردشگری فرهنگ، باتکیه بر تفاوت مفهومی فرهنگ و فرهنگی. *مجله گردشگری فرهنگ*، ۱ (۱)، ۵-۸.
- نورایی، مهرداد. (۱۳۹۳). تحلیلی بر تأثیرات متقابل هویت فرهنگی و تغییرات جامعه. *مجله جامعه پژوهی فرهنگی*، ۵ (۱)، ۱۱۳-۱۲۱.
- وارثی، حمیدرضا؛ تقوایی، مسعود و رضایی، نعمت‌الله. (۱۳۹۱). ساماندهی بافت

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
اسماعیل دخت، مریم. (۱۴۰۰). بافت تاریخی به مثابه موزه هنرهای بصری جهت گردشگری تاریخی با تأکید بر نمونه شیراز. *گردشگری فرهنگ*، ۱ (۴)، ۲۱-۳۰.



DOI: 10.22034/toc.2021.255387.1029

URL: http://www.toc-sj.com/article_129439.html